

مقدمه‌ای بر اقتصاد سیاسی در عصر جهانی‌کردن

احمد سیف



مؤسسه انتشارات نگاه

«تاسیس ۱۳۵۲»

سیف، احمد، ۱۳۲۴.
مقدمه‌ای بر اقتصاد سیاسی در عصر جهانی‌کردن / احمد سیف.
تهران: مؤسسه انتشارات نگاه، ۱۳۹۵.

۲۲۴ ص. ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.

ISBN: 978-600-376-212-1

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا.

۱. جهانی شدن - جنبه‌های اقتصادی - سیاست اقتصادی

Globalization -- Economic aspects - Economic policy

۱۳۹۵ ۷م ۹۴س/ HF۱۳۵۹ ۳۳۷

شماره کتابشناسی ملی: ۴۶۰۱۴۲۴

احمد سیف

مقدمه‌ای بر اقتصاد سیاسی در عصر جهانی کردن

ویرایش: دفتر انتشارات نگاه

صفحه‌آرایی: احمد علی پور

م‌راحی جلد: فرشید خالقی

اول: ۱۳۹۷

چاپ: ترجیح، شمارگان: ۳۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۲-۳۶۱-۲۱۱-۱

حق چاپ محفوظ است



مؤسسه انتشارات نگاه

«تأسیس ۱۳۵۲»

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری،
بین خیابان فخر رازی و خیابان دانشگاه، پلاک ۶۳، طبقه ۵
تلفن: ۱۲-۶۶۹۷۵۷۱۱، تلفکس: ۶۶۹۷۵۷۰۷

negahpublisher@yahoo.com

www.negahpub.com negahpub newsnegahpub

فهرست مطالب

۷.....	مقاله: چه می‌خواهیم؟
۱۳.....	بخش اول: مقدمه‌ای بر اقتصاد سیاسی در عصر جهانی کردن
۱۳.....	۱. جهانی کردن و داورگران
۱۹.....	۲. تجارت پیرامون الملل در عصر جهانی کردن
۲۴.....	۳. الگوی وال مارت و تجارت بین الملل
۲۸.....	۴. ما و این الگوی معیوب اقتصاد جهانی
۳۳.....	۵. الگوی رشد اقتصادی
۳۸.....	۶. تناقض بازار آزاد با دموکراسی
۴۳.....	۷. اقتصاد «جوجه امپریالیسم» در بحران
۴۷.....	۸. الگوی مزد سالار رشد اقتصادی
۵۴.....	۹. صندوق بین‌المللی پول و واقعیت اقتصاد جهانی
۵۷.....	۱۰. مزد و رونق اقتصادی
۶۰.....	۱۱. مشکل آقای توماس پیکتی
۷۰.....	۱۲. ویژگی مزد به عنوان «قیمت» نیروی کار
۷۷.....	۱۳. نگاهی به تورم:
۸۹.....	۱۴. رابطه مزد و بازدهی کار

۹۳	۱۵. اقتصاد سیاسی آب
۱۰۰	۱۶. اقتصاد سیاسی غذا
۱۰۵	۱۷. بازار آشفته نفت
۱۱۵	۱۸. اقتصاد سیاسی انرژی هسته‌ای
۱۲۱	بخش دوم: مقدمه‌ای بر اقتصاد سیاسی ایران معاصر
۱۲۱	۱۹. مارشی بحران مالی به سبک ایرانی
۱۳۵	۲۰. دولت، رانتی و نقش درآمدهای نفتی در عقب ماندگی ما
۱۳۹	۲۱. نگاه به اقتصاد ایران معاصر
۱۴۶	۲۲. نگاهی از دور به اقتصاد ایران: دست به اقتصاد ایران
۱۶۳	۲۳. نقش مسایل فرهنگی در توسعه اقتصادی
۱۸۲	۲۴. اقتصاد ایران بیماری «ا.ب.م» دارد نه «هلندی»!
۲۰۴	۲۵. خصوصی سازی آموزش و مسئله قانون مداری در ایران
۲۱۵	۲۶. بحران دلار در ایران
۲۲۴	منابع و یادداشتها

مقدمه: چه می‌خواهیم؟

در این مقدمه می‌خواهم از یک پرسش خیلی ساده آغاز کنم. و این پرسش ساده هم این است که «از اقتصاد چه انتظاراتی داریم». به عنوان یک آدم که املاًء دی، و معمولی - که شناسنامه سیاسی مشخصی هم ندارد - سعی می‌کنم به این سؤال جواب بدهم که از منظری که من به دنیا می‌نگرم، چه استعاراتی داریم و برای برآوردن آن انتظارات هم چه باید بکنیم. قبل از آن ولی اجازه بدم به چند نکته بدیهی اشاره کنم:

آیا هیچ وقت از خودتان پرسیده‌اند یا نه شما این پرسش پیش آمده است که در میان مکاتب مختلف اقتصادی، واقع دعوا بر سر چیست؟ یا به عبارت دیگر، معیار سنجش و مقایسه یک نظام اقتصادی با دیگری کدام است؟ البته من به مباحث درس‌نامه‌ای و به اصطلاح دانشگاهی کار ندارم. ولی آغاز می‌کنم از این واقعیت بدیهی که من و شما قبل از اینکه حتی بخواهیم سعی کنیم به این پرسش‌ها جواب بدهیم، باید لباسی به تن داشته باشیم و مثلاً دو یا سه بار در شبانه روز صدای خیره باشیم و وقتی که خوابمان می‌گیرد سرپناهی باشد که در زیر آن استراحت کنیم. البته من هم می‌دانم که وقتی هوا گرم است نیاز ما به لباس به حداقل می‌رسد و یا حتی شبهای تابستان می‌شود در گوشه پارکی هم خوابید. ولی آن چه که من می‌خواهم بگویم اینکه در جوامع بشری

نیازهایی وجود دارد و در کنارش هم، منابع محدودی که باید صرف تولید آن چیزهایی بشود که برای رفع این نیازها لازم است. مشاهده می‌کنید که من از عمده‌ترین پیش فرض اقتصاد لیبرالی یا سرمایه داری آغاز کرده‌ام که هر جامعه‌ای با محدودیت منابع و به راستی نیازهای بی انتهای خود روبروست. وقتی چنین است پس طبیعتاً، باید این منابع محدود به شیوه‌ای صرف تولید بشود که حداکثر نیازها را برآورد. نکته این است که کی‌باید منابع باعث می‌شود که بین شیوه‌های مختلف استفاده از این منابع محاربت تصمیم‌گیری شود. برای نمونه، یک قطعه زمین اگر برای ساختمان آمد رتدان بود استفاده قرار گیرد بدیهی است که در همان قطعه زمین دیگر نمی‌توان گندم کاشت. و به همین نحو، وقتی شما می‌روید و نرس می‌شوید دیگر نمی‌توانا هم زمان در یک بانک هم کار کنید. پس، پرسش‌ها به اختصار به این صورت است:

چه محصولاتی باید تولید شود؟

چه مقدار؟

محصولات تولید شده چگونه باید بین مصرف‌کنندگان توزیع شود؟ بسته به اینکه به این سؤالات چگونه جواب می‌دهیم، ما با نظام‌های اقتصادی مختلف روبرو هستیم. در یک جا، پاسخ این سؤالات را به دست بازار می‌سپاریم و طبیعتاً اقتصادمان اقتصادی بازار یا سرمایه داری می‌شود و در جای دیگر، یک نهاد مرکزی درباره این پرسش‌ها تصمیم می‌گیرد و در آن صورت با اقتصاد دستوری روبرو هستیم. یک حالت بینابینی هم وجود دارد که در بعضی از شاخه‌ها دولت و در بعضی دیگر بازار به این پرسش‌ها جواب می‌دهد که در آن صورت اقتصاد مختلط داریم. البته می‌توانیم یک «اقتصاد مشارکتی» هم داشته باشیم که نه سرمایه داری است و نه دستوری - منظورم از اقتصاد دستوری هم همان

چیزی بود که در شوروی سابق وجود داشت. پس یکی از کارهای اساسی که باید بکنیم مشخص کردن این نکته است که درایران ما به کدام الگوی اقتصادی تمایل داریم و بعد برای پیشبرد آن الگودست به کار بشویم.

معیار سنجش و انتخاب چیست؟

اگر این پیش گزاره درست است که جامعه بشری با کمبود منابع - زمین، کار، منابع طبیعی و سرمایه - و نامحدود بودن نیازهای انسانی روبروست در آن صورت، بی فایده ماندن هر کدام از این منابع، حداقل وجاهت منطقی ندارد. بی برای مثال، وجود بیکاری نشانه آن است که نظام اقتصادی ای که بیکاری را سر می تابد، نظام کارآمدی نیست. از سوی دیگر، اگر همگان برای اینکه سهم باشند نیاز دارند غذایی بخورند و لباسی بپوشند و سرپناهی داشته باشند، پس هر جا که تعداد بیشتری از جمعیت از این ضروریات زندگی محروم باشند، با کمبود داشته باشند، می توانیم نتیجه بگیریم که نظام اقتصادی اش معیوب است و خوب کار نمی کند. به همین خاطر است که اگر شما سونیس را با ایران مقایسه بکنید، به روشنی مشاهده خواهید کرد که نظام اقتصادی سوئیس از نظام اقتصادی ایران کارآمد تر است، چون هم درصد بیکاری در سوئیس کمتر از ایران است و هم درصد کسانی که در زیر خط فقر زندگی می کنند در ایران، قول ایرانی ها به صورت افشار آسیب پذیر در آمده اند.

معترضه بگویم و بگذرم که خواهش می کنم بلافاصله نتیجه نگیرید که خوب، با بودن جمهوری اسلامی، غیر از این چه انتظاری داشتی. این که شیوه حکومت بر عملکرد نظام اقتصادی اثر مستقیم می گذارد تردیدی نیست، ولی نکته از آن چه به نظر می رسد اندکی پیچیده تر است. هندوستان که حکومت اسلامی ندارد وضع اش از ما در این عرصه ها بهتر که نیست هیچ به احتمال زیاد، بدتر است. البته کم نیستند کسانی که

وضعیت خودشان را معیار قضاوت درباره یک نظام اقتصادی قرار می‌دهند و البته که این شیوه، شیوه کارسازی نیست. تردیدی نیست اگر در شرایط امروز ایران از «آزاده‌ها» یا به قول معروف «ازمولتی میلیونرها» بپرسید، از دید آنها نظامی بهتر از نظام اقتصادی فعلی ایران وجود ندارد. ولی باید دید که در این و یا هر نظام مشابه بر سر اکثریت مردم چه آمده است یا می‌آید؟ آن موقع است که می‌توان تصویر به نسبت واقعی‌تری از زندگی اقتصادی داشت. پس می‌رسیم به برآوردن نیازهای ابتدایی اکثریت جمعیت یک کشور و در اینجا ایران. آیا رسیدن به این حداقل امکان پذیر است؟ من تردید ندارم که رسیدن به چنین جایگاهی امکان پذیر است و بر سر منابع اقتصادی باید کارآمد بشود. من با اقتصاد صدقه‌ای به هر رسم و رنجی که مطرح شود موافق نیستم چون اگر هم در کوتاه مدت موثر باشد - که اغلب نیست - راه برون رفت از فقر و نداری را به کسی آموزش نمی‌دهد و برایشان حداقل پیش شرط‌ها را برای فرار از فقر فراهم نمی‌کند. در شرایط کنونی و با وجود تحریم‌های گسترده صدور نفت از ایران به دست انداز افتاده است ولی در شرایطی که اندکی عادی باشد همه مسئله این است که با دلارهای نفتی - به چه کنیم؟ یک نوع اش همین کاری است که در همه این سالها در ایران دلارهای نفتی را هزینه کرده‌ایم، یعنی عمدتاً صرف واردات کالاهای مصرفی شده است. خوب چنین کاری غلط اندر غلط است. منابع مالی ناشی از صادرات باید در پروژه‌های مولد و کارآفرینی که برای مردم درآمد آفرینی داشته باشد هزینه شود. به قول معروف به جای دادن ماهی مجانی به مردم باید به آنها ماهی‌گیری آموزش بدهیم و کمک کنیم تا ابزارهای بهتری برای ماهی‌گیری داشته باشند. باید برای بهبود بهره‌وری در اقتصاد بکوشیم. راه را برای رانت خواری - به هر شکل و صورتی که دربیاید - ببندیم. اگر شرایط برای رسیدن به درآمدهای کلان و زحمت نکشیده در اقتصاد آماده باشد قبل

از هر چیز و بیش از هر چیز کار دشوار تولید ارزش و ارزش افزوده در آن اقتصاد به دست انداز می‌افتد و پی‌آمد این به دست انداز افتادن هم ملی شدن و سراسری شدن فقر و نداری است. پس اگر بخواهیم حرف‌هایم را خلاصه کنم هم باید کیفیت سیاست‌پردازی اقتصادی ما بهتر بشود و این هم هیچ راهی ندارد به غیر از اینکه کار به کاردان سپرده شود. مبانی شناخته شده اقتصاد مورد تعرض صاحبان قدرت قرار نگیرد و زندگی اقتصادی با بهره‌گیری از این مبانی و حتی با بومی کردن آن مدیریت شود. برای این کار لازم است موانع موجود بر سر راه مقابله و مبارزه با فساد مالی و اقتصادی رفع شوند و یکی از موثرترین شیوه‌ها برای مبارزه با فساد - مال و اقتصادی - نیز غیر انحصاری بودن ابزارهای ارتباط جمعی و وجود و گسترش آزادی‌های فردی در جامعه است. البته که برای تخفیف مصائب ناشی از سبک مدیریت به نهادهای نظارت‌گر موثر و پر قدرت نیازمندیم که در صورت فقدان باید در اسرع وقت ایجاد شوند. اگر لازم باشد حتی قوانین را برای رسیدن به حداقل از نظارت ملی بر منابع ملی بازنویسی کنیم تا زمینه‌هایش فراهم شود. من حتی معتقدم که کوشش برای تخفیف این مصائب از حوزه اقتصاد فاصله می‌گذرد و اگر در حوزه‌های دیگر برای بهبود و کارآمدی آن چه در ایران داریم نکوشیم تکیه صرف بر تئوری‌های اقتصادی هم به نظرم مفید فایده‌ای نخواهد بود. باید بپذیریم و در کوی و برزن جار بزنیم که این حق مسلم همگان است که از یک حداقل امکانات در زندگی برخوردار باشند و وقتی به اینجا برسیم بعد می‌توانیم با تدارک شرایط لازم برای مشارکت مردم در سرنوشت خویش این حداقل‌ها را هم فراهم کنیم. من دلیلی نمی‌بینم که این کارها نشدنی باشد. هم همت می‌خواهد و هم اراده سیاسی و به همان اندازه مهم پاسخگویی و آزادی بیان و عقیده. اگر هم راه میان‌بری وجود داشته باشد - که بعید می‌دانم - من از آن بی‌خبرم.

در آنچه در این دفتر گردآوری شده در بخش اول به مباحثی در اقتصاد سیاسی از منظری کلی خواهم پرداخت و در بخش دوم سعی می‌کنم از اقتصاد سیاسی ایران معاصر نمونه‌هایی ارائه بدهم.

www.ketab.ir